



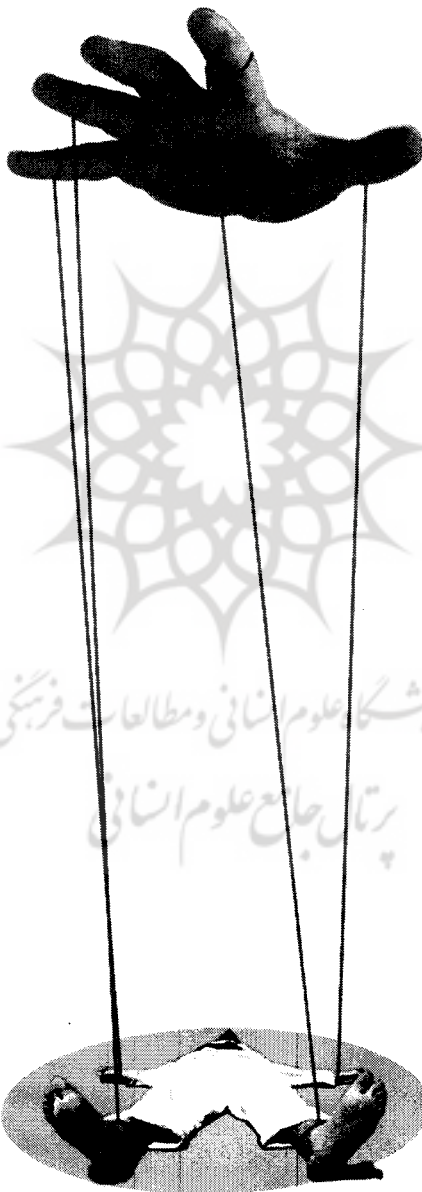
دنیای خیال انگیز لورکا

■ شیوا مسعودی

با عروسک مهم ترین سرگرمی او شد. البته بازی با عروسک به معنی عروسک بازی نیست بلکه منظور نمایش دادن با عروسک هاست. و بعد از آن تماشاخانه‌ای عروسکی راه اندازی کرد. با این نگرش علاقه مندی لورکا به شعر و نمایش دریافته می شود. نمایش عروسکی پنجره‌ای به تخیل، فانتزی و رویاست و آمیزه‌ای کامل از شعر، نمایش، موسیقی و هنرهای بصری است.

چیزی که در این مقدمه فصل گونه از قلم افتاده است، اشاره‌ای به کارهای تئاتری لورکا - چون خانه برنارد آلبا، پرما و... در میان مجموعه کارهای عروسکی اوست. به بیان دیگر تا پیش از این همه گی لورکا را در مقام یک نمایشنامه نویس بزرگ می ستودیم، حال که با خواندن این مقدمه‌ای کامل متوجه حضور نمایش عروسکی در زندگی لورکا و گوناگونی و فراوانی نمایشنامه‌های عروسکی او شدیم، بهتر بود کارنامه کارهای عروسکی و غیر عروسکی او در کنار هم بررسی می شد. به عنوان نمونه نمایشنامه پرما بعد یا قبل از کدام کار عروسکی نگاشته و اجرا شده است؟ و یا خانه برنارد آلبا بعد از کدام فعالیت عروسکی خلق شده است؟

این بررسی موجب می شد که تاثیرات تئاتر و تئاتر عروسکی بر یکدیگر را در زندگی و افکار لورکا دریابیم. هر کدام از این گونه‌های تئاتری چقدر باعث رشد، غنی سازی و تغییر نگرش‌های لورکا در پرداختن به گونه دیگر شده است. لورکا با کدام انگیزش ذهنی افکار خود را در قالب نمایش نامه عروسکی بیان می کرد. خط تفکیک تئاتر و نمایش عروسکی از نظر او کجا بود؟ بررسی و مقایسه این دو گونه اثر در کنار هم ما را به شناخت بهتر از لورکا و آثار او هم چنین به شناخت بهتر کارویژه‌های نمایش عروسکی در دوره لورکا هدایت می کرد البته بدیهی است که خود این نمایشنامه‌ها نیز معیار مناسبی برای درک ویژگی‌های بیان عروسکی در آن دوره است.



نمایشنامه نویس بزرگ اسپانیا کودکی اش را با نمایش عروسکی آغاز کرده است. «لورکای هشت ساله اولین حضور عمومی خود را در میدان ده با عروسک تجربه کرد و از آن پس بازی

برای کسی که در زمینه نمایش عروسکی فعالیت می کند، نمایشنامه نویس است یا عروسک گردان، عروسک ساز و یا کارگردان نمایش‌های عروسکی، پیدا کردن کتابی درباره‌ای این موضوع چون معجزه‌ای است که هر از چند گاهی به همت و پشتکار اشخاص و ناشرانی خاص رخ می دهد. و چاپ هر کتاب حادثه‌ای در جهان نمایش عروسکی کشورمان قلمداد می شود.

به دست می رسد یا بهتر است بگوییم خود را به دست می رساند. با هجومی ناغافل ذهن و نگاهت را می گیرد. با طراحی جلدی جذاب و اسپانیایی. رنگ‌های خیالی و عروسکی و دو چهره همیشهگی. و همه این‌ها کار طراحی است آشنا که خلاقیت و ویژگی همیشهگی کارهای اوست و البته نمایش عروسکی را هم خوب می شناسد.

اولین نگاه، اولین کلمات، اولین خوانش و شروع هیجان و کنجکاوی: فدریکو گارسیا لورکا، پنج نمایشنامه عروسکی.

اولین حس ات شگفتی است. لورکا!!! لورکا همان که با تراژدی‌های گیرا و قوی «پرما» و «خانه برنارد آلبا» او را می شناسیم، نمایشنامه عروسکی می نگاشته است! پس فانتزی و رویاپردازی عروسکی از همان ذهن تراژدی نویس خلق شده است... چنین بازشناسایی از یکی از شهرت‌ترین چهره‌های تاریخ تئاتر شایسته قدردانی و احترام فراوان است.

مقدمه‌ای کامل، دقیق و همه جانبه. مقدمه‌ای طولانی که چون یکی از بخش‌های اصلی کتاب است. و شاید انتخاب نام مقدمه تنها به لحاظ سلسله مراتب کتاب بوده است. در این مقدمه وضعیت نمایش در اسپانیا و ابعاد مختلف زندگی لورکا را در می یابیم. این شبه زندگی نامه که به خودی خود جذاب است، آن گاه جذاب تر می شود که با حضور عروسک‌ها همراه می گردد. در مقدمه می خوانیم لورکا شاعر و

بعد از مقدمه وارد بخش نمایشنامه ها می شویم و اولین نمایشنامه «افسون شوم شاپرک» کمدی در دو پرده و یک درآمد. وارد جهان سوسک ها می شویم و روابط و عواطفی از نوع عشق انسانی، عشق سوسک جوان به شاپرک زخمی و انتظار ما و پایان نیمه نمایش. نمایشنامه کامل نیست. اما به هر روی به نظر می رسد که نمایش به این لحاظ کمدی خوانده شده که شخصیت هایی حیوانی رفتاری انسانی دارند.

انتخاب شخصیت های سوسک و بررسی رفتارهای انسانی در رابطه های آن ها و مقایسه ذهنی با ما به ازاهای انسانی نشانگر رسیدن به یک بیان عروسکی در آن زمان است. در این نمایشنامه لورکا از زاویه - شخصیت های حیوانی با منشی انسانی - به جهان عروسکی دست یافته است. دو نمایشنامه دیگر - دون کریستوبال و دوشیزه روزیتا و نمایش کوتاه کریستوبال - هر دو از اشراف قدیمی روستایی منطقه آندلس و براساس شخصیت دون کریستوبال هستند. او شاید جزو عموزاده های گنیول، پوشیتل و... باشد. خود لورکا در مقدمه یکی از آن ها می گوید: «نمایش عروسکی همان رویاپردازی، حال و هوای شادمانه و معصومیت مردم را بازگو می کند.»

نمایش عروسکی پنجره ای به تخیل، فانتزی و رویاست و آمیزه ای کامل از شعر، نمایش، موسیقی و هنرهای بصری است

هر دو این نمایشنامه ها شخصیت هایی انسانی با رفتارهایی خاص، فانتزی و گاه اغراق شده دارند و به همین دلیل آن ها شخصیت های عروسکی هستند. نکته دیگر موقعیت های عروسکی به وجود آمده است، مانند مخفی کردن کوکولچه و یا فانتزی عروسکی در صحنه ترکیدن کاریستوبیتا.

در این نمایشنامه ها گاه ابداعاتی در جای گزینی کلمات آشنا و فارسی مشاهده می کنیم. به عنوان مثال «کریستو بادکنکی»، میکده چی که نام او را «وروره جادو» نهاده اند و یا «سوهان روح» که نمی دانیم معنای لغوی کلمه بوده است یا معادل مفهومی آن. این ابداعات در جهت فارسی کردن نمایش مطلوب است. اما با این فرض که لغت جای گزین معنا یا کارکرد ویژه ای برای شخصیت مورد نظر داشته باشد. سوهان روح که یک پینه دوز است چرا این نام نامگذاری شده است؟ به نظر نمی رسد که او



چند بعدی می شوند. عشق و علاقه خانم کفشدوز بی اعتنا از آغاز پرده دوم نمایان می شود و تا صحنه زیبای ملاقات به اوج می رسد. لورکا در میانه کار نمایشی را در دل نمایش اجرا می کند و کفشدوز را با شغل نمایشگر عروسکی وارد می کند و او برای تماشاگرانش پرده خوانی می کند. و بالاخره در اوج درام عروسکی کفشدوز و خانم کفشدوز یکدیگر را باز می شناسند و به توطئه ها و حرف های همسایه های رنگارنگ پایان می دهند. و نمایشنامه آخر «دون برلیم بلین و عشق او به بلیسا در باغش» باز هم یک نمایش عروسکی با تاکید بر شخصیت های خاص و ویژگی های اغراق آمیز است. داستان عشق برلیم بلین به بلیسا که پایانی تکان دهنده و تراژیک دارد. این نمایش از دو نمایش کریستوبیتا به درام نزدیک تر و شخصیت ها عمیق تر و تاثیرگذارترند با وجود این خط سیر ظاهری تقریباً در هر سه یکی است.

وجود دو شخصیت جن خصوصیت فانتزی و عروسکی برجسته ای به این نمایش می دهد. اما صحنه حضور جن ها از روانی لازم برخوردار نیست. ما متوجه موضوع صحبت جن ها نمی شویم و به نظر می رسد که دیالوگ ها ما را به نتیجه ای منطقی نمی رسانند. نتیجه گیری

کارهای لورکا تاکید است بر اهمیت نمایش عروسکی که شعر و تئاتر را در خود آمیخته دارد

و تصمیم گیری آن ها برای ما به خوبی مشخص نمی شود. نمی دانیم که واژه ی جن ها برگردانی مستقیم بوده یا ترجمه یا مفهومی است، اما این صحنه چون وجود محو جن ها، گنگ و نامشخص شروع می شود، ادامه می یابد و پایان می پذیرد و دیگر نیز اثری از آن ها یا کارشان تا انتهای نمایش دیده نمی شود.

کتابی که آغاز کرده ای با عکس هایی از کودکی تایپری لورکا، عروسک ها و قسمتی از طرح های او پایان می پذیرد. کتاب را می بندی و درود می فرستی بر آن هایی که لورکای نمایشنامه نویس عروسکی را به تو معرفی کرده اند و سپس بر لورکا که در دوره خویش چنین خوب بیان عروسکی را می شناخت و کارهای او تاکید است بر اهمیت نمایش عروسکی که شعر و تئاتر را در خود آمیخته دارد. پس لورکا ابتدا نمایشگر عروسکی بود و بعد شاعر و نویسنده تئاتر.

چون سوهان روح کسی را آزار دهد. و با ترکیب آشنای «وروره جادو» که با خواندن نام او ما ناخودآگاه ویژگی های شخصیت آشنای خودمان را برای او تصور می کنیم ولی در ادامه می بینیم که او هیچ یک از ویژگی های بارز شخصیت آشنای ما را ندارد. نه جادویی در کار است و نه وروره ای تنها ذهن ما به نام یا مفهومی آشنا می رسد و با دیدن تفاوت ها، اثر نامگذاری بدیع و خلاق آن از بین خواهد رفت. هر دو این نمایشنامه ها با فضایی فانتزی، طنزآلود و اغراق آمیز و موقعیت های خاص به بیان عروسکی رسیده اند.

زیباترین، عمیق ترین و نمایشی ترین اثر این مجموعه خانم کفشدوز شگفت انگیز است که از هر دو منظر ذکر شده به بیان کامل عروسکی رسیده است. شخصیت ها اغراق آمیز با ابعاد فانتزی و خیال انگیز هستند. شخصیت های اصلی آن کفشدوز و خانم کفشدوز که با تکیه بر صنعت جناس می توانند کفشدوز باشند و هم دوزنده کفش. و شخصیت های دیگر که هر کدام با ظاهر و رفتاری خاص و تیبیکال شناخته می شوند. پسر بچه که با همین نام در نمایش نامیده می شود، همه ویژگی های عمومی یک پسر بچه را دارد، شیطان، کنجکاو، ساده دل و پاک. همسایه های رنگارنگ که با رنگ های مختلف، وجوه متفاوتی از صفات شخصیت های جامعه را نشان می دهند. جوان شئل پوش که در پی اغوای خانم کفشدوزک است، با آن شنلی که می تواند مرز و مخفی کننده نیات درونی او باشد. این کار به این دلیل نمایشی است که شخصیت های اصلی در مسیر نمایش همگام با ویژگی های عروسکی شان رشد می کنند و